

ارائه مدلی برای بررسی و تبیین نقش وقف براندازه دولت در اقتصاد با تأکید بر نقش کارآفرینی اجتماعی

محمد رضا فلاح*، مهدی جعفری** و روح اله عبادی***

نوع مقاله: علمی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۵	شماره صفحه: ۳-۵
-----------------	------------------------	------------------------	-----------------

تحقیق حاضر به دنبال بررسی، شناسایی و تبیین تأثیر وقف براندازه دولت در اقتصاد است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی - پیمایشی است و برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه ها و پیشینه تحقیق از روش تحلیل تم استفاده شده و برای تحلیل پرسشنامه و بررسی نقش کارآفرینی اجتماعی به عنوان متغیر میانجی، معادلات ساختاری و نرم افزار آموس به کار رفته است. جامعه آماری را خیرگان و کارشناسان حوزه اقتصاد و مدیریت تشکیل می دهند که تعداد نمونه برای مصاحبه ۱۸ نفر و برای پرسشنامه با توجه به نوع نمونه گیری در دسترس و هدفمند، ۶۲ نفر است. آلفای کرونباخ ۰/۸۱۲ به دست آمده که مناسب بودن پایایی پرسشنامه را بیان می کند. یافته های تحقیق نشان می دهد که برای کوچک سازی دولت با وقف باید عوامل اجتماعی شامل «آموزشی» و «فرهنگی» و عوامل فرایندی شامل «عمرانی» و «بهداشت و درمان» به عنوان شتاب دهنده وقف در نظر گرفته شوند و بر نقش کارآفرینی اجتماعی در کوچک سازی دولت به عنوان یک متغیر میانجی توجه و تأکید کرد.

کلیدواژه ها: وقف؛ دولت؛ کارآفرینی اجتماعی

* استادیار دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم (نویسنده مسئول)؛

Email: mfallah@hmu.ac.ir

** استادیار مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم؛

Email: jafari@tolouemehr.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛

Email: rebadi@mofidu.ac.ir

مقدمه

با بروز نارسایی‌های بازار در تأمین کارایی، عدالت و سایر ارزش‌های انسانی، نقش دولت‌ها در اقتصاد به تدریج پررنگ‌تر شد؛ اما دخالت دولت‌ها الزاماً شکست بازار را جبران نکرد بلکه خود نارسایی‌هایی را به بار آورده است (توکلی، ۱۳۸۶: ۵). به طوری که اکثر اقتصاددانان معتقدند دولت بزرگ در اقتصاد مانع رشد اقتصادی می‌شود و این در حالی است که دولت نمی‌تواند فقط تنظیم‌کننده باشد بلکه باید خدمات عمومی نظیر امنیت، آموزش، بهداشت و ... را فراهم کند (Nirola and Sahu, 2019). بنابراین، انجام فعالیت‌های مذکور و ایفای نقش‌های محوله به دولت مستلزم هزینه است و از آنجاکه یکی از معیارهای اندازه‌گیری دولت در ادبیات مربوطه نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی است، مداخله هرچه بیشتر دولت در اقتصاد به معنای بزرگ‌تر شدن آن است. از این رو، نقش صحیح و اندازه مناسب آن بحثی جدال‌برانگیز بین اقتصاددانان و دولت‌مردان است که طی قرن گذشته بارها دستخوش تغییر و بازنگری قرار گرفته است. به طوری که، یکی از بحث‌های مهم اقتصادی در هر کشور این است که دولت علاوه بر فراهم کردن امنیت براساس دیدگاه حداقل مداخله دولت، می‌تواند در زمینه‌های مدیریت اقتصادی و همچنین تولید، نقش عمده‌ای ایفا کند و بدین ترتیب بر تولید بخش خصوصی و در نهایت تولید کل اقتصاد، آثار مثبت و منفی داشته باشد (Doessel and Valadkhani, 2003). دولت با وضع قوانین، ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌های لازم برای افزایش تولید را فراهم می‌کند. همچنین، افزایش بیش از اندازه دولت و دخالت آن در اقتصاد نیز می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه تولید کل اقتصاد، از طریق جاننشینی جبری اثر منفی داشته باشد (حیدری، پروین و فاضلی، ۱۳۸۹).

شواهدی از عملکرد چند دهه اخیر برخی اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد فراتر رفتن اندازه دولت از حدود مورد نیاز برای ارائه خدمات پایه‌ای، به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود (کميجانی و حق شناس، ۱۳۹۳: ۲). همچنین، نقش و اندازه دولت به‌ویژه ورود دولت در فعالیت‌های تصدی‌گری، در زمره اندیشه‌هایی است که همواره نوعی ذهنیت و دیدگاه منفی نسبت به آن وجود دارد و اعتقاد بر این است که دولت

اثربخش باید پایین‌ترین سطح اقتضایی را نسبت به فعالیت‌های تصدی‌گری در اختیار داشته باشد.

از آنجا که وقف به‌عنوان صدقه جاریه و سرمایه‌گذاری معنوی بلندمدت مسلمانان با سررسید محدود و نامحدود محسوب می‌شود و همچنین فلسفه تأسیس و ترویج نهاد وقف در اسلام به‌منظور پر کردن خلأها و برطرف کردن نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه اسلامی است می‌تواند به اهداف توسعه‌ای دولت‌ها کمک فراوانی کند. در نتیجه وقف در کاهش کسری بودجه دولت نقش عمده‌ای دارد، زیرا کسری بودجه یا ناشی از تقلیل درآمد یا ناشی از افزایش مخارجی است که دولت معمولاً در انجام وظایف خود مجبور به تحمل آن است و وقف می‌تواند در هر دو زمینه یاری‌رسان باشد. بنابراین وقف با ایجاد کالاها و خدمات عمومی، دولت را از هزینه کردن برای این موارد معاف می‌کند در نتیجه با گسترش وقف، نقش دولت در اقتصاد کم‌رنگ‌تر می‌شود. از این رو هدف این پژوهش نیز بررسی تأثیر وقف بر اندازه دولت در جامعه اسلامی است.

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱-۱. مفهوم وقف

کلمه «وقف» در زبان فارسی به معنای حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن، حبس کردن و منحصر کردن چیزی را به کسی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۲۲۶؛ ابن‌منظور، ق ۱۴۱۰: ۳۵۹) و در اصطلاح فقهی به مفهوم حبس کردن اصل مال و آزاد ساختن منفعت آن است. بنابراین وقف عقد است که به موجب آن فردی عین مال خود را تحبیس می‌کند و منافع آن را برای صرف در راه‌هایی رها می‌کند که مشخص است^۱ (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۵۳). در قانون مدنی ماده (۵۵) نیز وقف عبارت است از اینکه عین مال، حبس و منافع آن تسبیل شود. مقصود از حبس عین مال آن است که تصرف اعتباری در آن به صورت بیع، هبه، رهن، اجاره و امثال آن ممنوع بوده و موقوفه به ارث نیز نمی‌رسد. اما منظور از آزاد ساختن منافع آن

۱. گفتنی است، مباحث متعدد تاریخی و حقوقی در خصوص نهاد اقتصادی وقف در اسلام قابل طرح است که با توجه به محدودیت‌ها و اهداف این تحقیق، تنها به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

است که منافع و ثمرات عین از انتفاع واقف آزاد شده و صرف مواردی می شود که وی تعیین کرده است (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۸). گرچه واژه وقف به طور خاص در قرآن نیامده است، ولی در متون مذهبی از آن تعبیر به صدقه و صدقه جاریه شده است و بنابراین می توان همه آیاتی که در قرآن در خصوص صدقه آمده است را به نحوی با مفهوم وقف مرتبط دانست. اصطلاح «صدقه جاریه» نیز تعبیری مناسب برای وقف است، زیرا وقف از آن جهت که نوعی کمک مالی بدون عوض است، صدقه به حساب می آید و از آن جهت که منبعی دائمی بوده و نسل های متمادی از آن بهره می برند، مفهوم جاری بر آن قابل انطباق است (بختیاری، ۱۳۸۱: ۵).

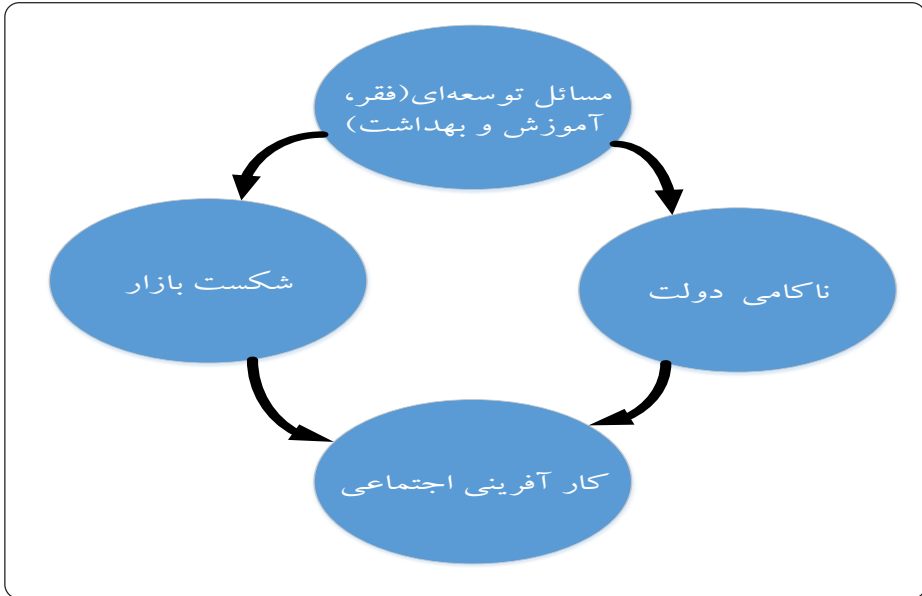
۲-۱. رابطه وقف و اندازه دولت در اقتصاد

از دیرباز تاکنون در ادبیات اقتصادی درباره دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی، دیدگاه ها و نظریه های متفاوتی وجود داشته است. بحث دخالت و حضور دولت در اقتصاد به همراه تدوین علم اقتصاد و مکتب اقتصاد کلاسیک به شکل جدی مطرح شد. از سال ۱۷۷۶ تا ۱۹۳۰ میلادی، دو نگرش جدی مبنی بر دخالت دولت در اقتصاد وجود داشته است یکی نگرش دولت حداقلی است که منشأ آن مکاتب فیزیوکرات و کلاسیک است و دیگری دولت حداکثری است که از سوی مکتب مقابل کلاسیک ها یعنی مارکسیست ها و سوسیالیست ها حمایت می شود. از دهه ۱۹۳۰ به بعد نقش دولت در اقتصاد مختلط مطرح شد که حالت بینابین دو وضع افراط و تفریط مذکور محسوب می شود تحولات مربوط به بحث دخالت دولت در اقتصاد بین دهه ۱۹۳۰ تا اواخر ۱۹۶۰ میلادی به نسبت آرام و هماهنگ با اندیشه کینزی بود. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون تحولات چشمگیری در حوزه دخالت دولت در اقتصاد ایجاد شده است به طوری که در دهه ۱۹۷۰ هزینه های دولت ها گسترش پیدا کرد و دولت های رفاه شکل گرفت. دهه ۱۹۸۰ یک نوع چرخش عقیده ای علیه دولت به وجود آمد و سرانجام این تصور که بخش دولت نسبت به بخش خصوصی کارایی کمتری دارد، غالب شد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳). بنابراین از اواخر این دهه، نقش دولت در اقتصاد رو به کاهش نهاد و موضوع خصوصی سازی به شکل فراگیر مطرح شد. در حالی که

یکی از دلایل مهم ناکامی کشورهای درحال توسعه و اسلامی در تحقق اهداف توسعه‌ای، ضعف ساختار اقتصادی و حضور کم‌رنگ بخش خصوصی و دخالت نسبتاً گسترده دولت در نظام اقتصادی است.

بنابراین یکی از راه‌های کاهش مداخله دولت در اقتصاد، تقویت بخش خصوصی است. مطالعات اقتصادی نیز نشان می‌دهد، دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند منافع عمومی جامعه را تأمین کنند و اهداف توسعه‌ای را تحقق بخشند. به همین دلیل استفاده از ظرفیت بخش تجاری در تولید کالا و ارائه خدمات باعث گسترش بنگاه‌های اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته شده و زمینه‌های شکوفایی اقتصادی، اشتغال پایدار و رفاه نسبی شهروندان را تا حد زیادی فراهم ساخته است. به همان نسبت که در هر کشور بخش خصوصی از لحاظ مقیاس فعالیت و بازدهی اقتصادی گسترش می‌یابد، رفاه و توسعه همگانی در جامعه افزایش می‌یابد. بخش خصوصی در ادبیات توسعه، موتور محرکه و شتاب‌دهنده اقتصاد جامعه به حساب می‌آید. البته شواهد نشان می‌دهد با وجود حضور فعال بخش‌های خصوصی در قالب شرکت‌های تجاری، بازار در تحقق نیازهای محرومیت‌زدایی و تأمین کالاهای عمومی با شکست مواجه است؛ زیرا فعالیت‌های بخش خصوصی در قلمرو بازار با انگیزه‌های انتفاعی و مبتنی بر معیارهای عقلانیت اقتصادی و نفع‌طلبی شخصی است. بنابراین به دلیل عدم تمایل بخش خصوصی در تحقق اهداف توسعه اجتماعی و تأمین کالاهای عمومی زمینه برای مداخله هرچه بیشتر دولت در اقتصاد فراهم شده است (Akram and Rath, 2019). از این رو، کارآفرینی اجتماعی^۱ در چارچوب مشارکت‌های مردمی سازمان‌یافته و نهادهای خودجوش داوطلبانه، حلقه تکمیل‌کننده چرخه توسعه در پرتو حداقل مداخله دولت و بخش خصوصی فعال است و به راحتی می‌تواند شکاف میان دولت و بازار را پر کند (Austin, Stevenson and Wei-skillem, 2006). بدین ترتیب با شکست بازار و ناکامی دولت در اهداف توسعه‌ای راه‌حل سومی چون کارآفرینی اجتماعی مطرح می‌شود که می‌تواند از تصدی‌گری دولت در اقتصاد بکاهد.

شکل ۱. شکست بازار و ناکامی دولت در مسائل توسعه‌ای (فقر، آموزش و بهداشت و...) و کارآفرینی اجتماعی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

فلسفه وجودی سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسه‌های خیریه^۱، استفاده از ظرفیت مشارکت‌های مردمی است که با انگیزه‌های نوع‌دوستی، اعتقادی، مذهبی و با هدف حل مسائل توسعه اجتماعی (فقر، آموزش و بهداشت) در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. همان‌گونه که در شکل ۱ آمده است، ناکامی دولت‌ها در تحقق اهداف محرومیت‌زدایی به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای و عدم تمایل بخش خصوصی در تعقیب مسائل توسعه‌ای (اعم از فقر، آموزش و بهداشت) به دلایل ماهیت انتفاعی و انگیزه سودگرایانه حاکم بر فضای بازار، می‌طلبد که از ظرفیت مشارکت‌های مدنی و کارآفرینی اجتماعی برای جبران ناکامی دولت و شکست بازار در پیگیری اهداف توسعه‌ای استفاده شود (سالارزهی، ۱۳۹۰: ۴۸).

جوهره کارآفرینی اجتماعی همان فعالیت‌های نوع‌دوستی، احسان و نیکوکاری و

1. Charities

احساس مسئولیت در قبال مشکلات اقشار آسیب پذیر و محروم جامعه است. آنچه ضرورت کارآفرینی اجتماعی را در جامعه مدرن امروزی آشکار می سازد، بن بست نظام سرمایه داری است که با اصالت دادن به اصل آهین منافع شخصی و نادیده گرفتن حقوق و نیازهای اقشار و طبقات آسیب پذیر جامعه بر شدت فقر و محرومیت و افزایش شکاف طبقاتی در جامعه افزوده است. همچنین با توجه به ناکامی دولت ها و مؤسسه های تجاری برای حل مسائل توسعه ای، جامعه امروزی برای رویارویی با مسائل پیچیده اجتماعی به کارآفرینی و خلاقیت اجتماعی نیازمند است. کارآفرینی اجتماعی شامل برنامه های نوآورانه برای کمک به بهبود معیشت کسانی است که فاقد کسب و کار و توان مالی هستند یا در استفاده از فرصت های خدمات اجتماعی با محدودیت مواجه اند. این گروه از کارآفرینان نیکوکار، براساس پای بندی به ارزش ها و مأموریت ارزشی که به آن باور دارند، دست به ابتکار عمل و نوآوری های اجتماعی برای برآورده ساختن نیازهای جامعه می زنند (Gliedt and Parker, 2007). آنها با انگیزه های نیکوکارانه در راستای خدمت به بندگان خدا، نوعی رضایت درونی حاصل می کنند و از اینکه گرهی از مشکلات مردم به دست آنها باز می شود و در خدمت به هم نوعان مشارکت دارند، احساس شور و شغف می کنند. همچنین کارآفرینی اجتماعی فرایندی است که در جریان آن، افراد و گروه ها و بخش های اجتماعی به طور داوطلبانه کار می کنند تا از دارایی های اجتماعی که بدون استفاده مانده، ارزش آفرینی کنند و فرصت های ناشی از آنها را تشخیص دهند (میری، ۱۳۸۵: ۱۷).

گفتنی است، ارزش ها و نمادهای دینی رایج در فرهنگ اسلامی از قبیل صدقه، زکات، توجه به فقرا و محرومان، نذر، ایثار، احسان و محبت به بندگان، نوع دوستی، تعاون و مشارکت جمعی و وقف اموال و دارایی برای اهداف خیریه بیانگر قابلیت های وسیع کارآفرینی اجتماعی در اسلام است. همچنین، مسلمانان اقدام های نیکوکارانه از قبیل صدقه، کمک کردن به نیازمندان و فقرا را نوعی تعهد اخلاقی و دینی می دانند و با طیب خاطر در راستای جلب رضایت خداوند و رفع خواسته های نیازمندان تلاش می کنند؛ اما به دلیل اینکه وقف در فرهنگ اسلامی به عنوان یک صدقه مستمر است امکان برنامه ریزی بلندمدت برای آن نسبت به سایر ارزش های دینی بیشتر است. در این مقاله مفهوم کارآفرینی اجتماعی را در

وقف خلاصه می‌کنیم. همچنین وقف را می‌توان تغییر در کاربرد منابع، از بهره‌برداری فردی به بهره‌مندی اجتماعی برای نسل حاضر و نسل‌های آینده به‌شمار آورد که خدمات و منافع آن مورد استفاده افراد زیادی قرار می‌گیرد. از این‌رو توسعه وقف، به‌عنوان نهادی خصوصی (غیردولتی) در اقتصاد اسلامی، از یک طرف موجب افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف بوده و از طرف دیگر این پس‌اندازها می‌تواند در نهایت به سرمایه تبدیل شود. سرمایه‌ای که خود می‌تواند مولد کالاهای خصوصی و خدمات اجتماعی در حال و آینده بوده و در نتیجه زمینه افزایش تولید ناخالص داخلی را فراهم آورد. همچنین نهاد وقف به دلیل ماهیت خیرانه‌ای که دارد، موجب تقویت بنیادهای اجتماعی و روحیه تعاون در جامعه شده که خود به ارتقای سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی کل اقتصاد منجر خواهد شد (بختیاری، ۱۳۸۱: ۷).

بنابراین با توجه به ماهیت خیرخواهانه و قابلیت سرمایه‌گذاری بلندمدت، وقف می‌تواند در تحقق اهداف توسعه‌ای دولت و کاهش هزینه‌های دولت مؤثر باشد. به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت وقف نقش چشمگیری در تولید کالاها و خدمات و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته‌اند. بسیاری از کالاهای عمومی و وظایفی که دولت‌های مدرن برعهده دارند و هم‌اکنون یکی از چالش‌های دولت‌ها شده و با طرح مسائلی از قبیل تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی، اندازه بهینه دولت، برون‌سپاری و از این قبیل، سعی در انجام آنها به روش‌های غیردولتی دارند، در گذشته از طریق نهاد وقف در جوامع اسلامی انجام می‌شده است (همان).

بنابراین، وقف می‌تواند در کم کردن کسر بودجه دولت نقش عمده‌ای داشته باشد، زیرا کسر بودجه یا ناشی از تقلیل درآمد یا ناشی از افزایش مخارجی است که دولت معمولاً در انجام وظایف خود مجبور به تحمل آن است و وقف می‌تواند در هر دو زمینه یاری‌رسان باشد، زیرا با ایجاد کالاها و خدمات عمومی دولت از هزینه کردن برای این موارد معاف می‌شود. مثلاً وقتی یک مدرسه یا یک بیمارستان از طریق وقف تأسیس می‌شود و به جامعه خدمت می‌کند، در واقع دولت از هزینه‌های ایجاد و اداره آنها معاف می‌شود و می‌تواند این هزینه‌ها را در راه‌های دیگری به مصرف رساند. همچنین، در اقتصاد عموماً ایجاد توازن متقابل و تعادل بین دو متغیر عرضه و تقاضا را بدون دخالت مستقیم دولت و با نظام بازار، تعدیل ساختاری گویند.

در یک نگاه کلی، عمدتاً برنامه و سیاست‌های تعدیل ساختاری را که در دو دهه اخیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهای عضو توصیه کرده است، می‌توان در دو بعد آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی خلاصه کرد. منظور از آزادسازی همه اقدام‌هایی است که در جهت برداشتن کنترل‌های دولت از قسمت‌های مختلف اقتصاد از جمله بازارهای مالی، بازار کالا و خدمات و بازار کار صورت می‌گیرد. منظور از خصوصی‌سازی همه اقدام‌هایی است که برای گسترش حوزه فعالیت بخش خصوصی انجام می‌شود. نتیجه نهایی آزادسازی و خصوصی‌سازی را در کوچک شدن اندازه دولت می‌دانند که همواره به‌عنوان یک هدف در همه این برنامه‌ها به‌صورت صریح و ضمنی ملاحظه می‌شود. وقف با اهداف یاد شده همسو است و دولت را از درگیر شدن و رقابت با بخش خصوصی در بسیاری از موارد رهایی می‌بخشد. به دلایلی که مفصل در قبل توضیح داده شد، اندازه دولت در حداقل نگه داشته خواهد شد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده خاطرنشان می‌شود تاکنون تحقیقات جامعی در داخل و خارج از کشور درباره تأثیر وقف بر اندازه دولت در اقتصاد انجام نگرفته است و فقط برخی مطالعات تجربی مرتبط با این موضوع را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد.

آنوئرو و همکاران^۱ (۲۰۱۹)، به بررسی تنوع کاربردهای وقف برای توسعه آموزش عالی در مالزی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد وقف می‌تواند برای توسعه آموزش عالی در مالزی استفاده شود و به کاهش تخصیص بودجه دولت در این امر کمک کند.

مغیوب و الهجام^۲ (۲۰۱۸)، به ارائه چارچوب حکمرانی مؤسسه‌های وقف و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آنها می‌پردازند. این تحقیق، ساختار و کارکرد پیشنهادی برای سرمایه‌گذاری وجوه وقف را مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری وقف نام‌گذاری می‌کند. این مؤسسه‌ها باید درصدی از پورتفوی شان را در همان محل به منظور رشد و توسعه سرمایه‌گذاری کنند.

1. Anuar and etal.

2. Maghbul and Alhajam

سیسوانتورو و راسدیانا^۱ (۲۰۱۶) به پایداری توسعه وقف نقدی در اندونزی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد وقف نقدی از جنبه‌های مختلف نیاز به حمایت دارد. ایجاد نوآوری در نظام‌های آموزشی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند به پایداری وقف نقدی در هر شکلی کمک کند.

ماهات، جعفر و رسول^۲ (۲۰۱۵)، به پتانسیل «وقف خرد» به عنوان استراتژی فراگیر برای توسعه ملت‌ها پرداخته‌اند. آنها معتقدند وقف به عنوان ابزار مالی اسلامی داوطلبانه نقش مهمی در توسعه اقتصادی - اجتماعی دارد و پروژه وقف خرد را در یکی از دانشگاه‌های مالزی برای احیا و معرفی فرهنگ وقف میان جوامع مسلمان پیشنهاد می‌کنند.

بودیمان^۳ (۲۰۱۴)، به اهمیت وقف در توسعه اقتصادی پرداخته است. این مقاله به رد این فرضیه می‌پردازد که وقف نه تنها مانعی برای توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی نیست بلکه توسعه وقف باید به منظور اهداف اقتصادی - اجتماعی دنبال شود.

لاهاسنا^۴ (۲۰۱۰)، به بررسی موضوع نقش وقف پول در تأمین مالی تشکیلات اقتصادی کوچک و متوسط در مالزی می‌پردازد. وی معتقد است، مفهوم وقف باید بیشتر حول محور فعالیت‌های اقتصادی یا به سمت زمینه‌های اقتصادی و تأمین مالی با توجه به نیاز صنایع باشد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد، وقف پول می‌تواند به عنوان یک منبع تأمین مالی خرد به انجام پروژه‌ها، فرصت‌های کسب و کار و اشتغال بیشتر منجر شود که نتیجه آن سهمیم شدن وجوه وقف شده در رشد و توسعه اقتصادی و همچنین توسعه مالی است.

چیزاکا^۵ (۲۰۰۴)، به بررسی موضوع «تلفیق وقف پول و مضاربه، ابزارهای تأمین مالی غیربانکی از گذشته تا آینده» را بررسی کرده است. در این تحقیق ضمن اشاره‌ای به سابقه تاریخی وقف پول در حکومت عثمانی، بیان می‌کند که اگر وقف پول و بانک‌های اسلامی

-
1. Siswanto and Rosdiana
 2. Mahat, Jaaffar and Rasool
 3. Budiman
 4. Lahsasna
 5. Cizakca

بتوانند با یکدیگر تلفیق شوند بسیاری از مشکلات از قبیل مشکلات تأمین مالی و عدم تطابق منابع مالی از بین خواهد رفت.

جهانیان (۱۳۹۵)، به بررسی «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم» پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، اقتصاد وقف در خوشبینانه‌ترین حالت، حدود ۱ درصد در وضعیت کنونی دنیا ظرفیت دارند اما می‌توان با طراحی سیاست پیشرفت اقتصادی نهاد وقف این ظرفیت را تا حدود ۲ درصد تولید ملی ارتقا داد.

صدری و هندی‌زاده (۱۳۹۳)، به بررسی موضوع «وقف ارزش‌های مالی اعتباری» پرداخته‌اند. آنها معتقدند در مورد وقف پول و اوراق بهادار دو نظریه مطرح است: برخی از فقها آن را صحیح نمی‌دانند و برای اثبات ادعای خود ادله‌ای ارائه کرده‌اند در مقابل گروه دیگری ضمن نقد ادله مخالفان، وقف این ارزش‌های اعتباری را صحیح و منطبق بر موازین شرعی دانسته‌اند و به اثبات آن پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد صحت وقف این نوع ارزش‌های اعتباری تأیید شده است.

ابراهیمی سالاری، سیدحسینی و نریمانی زمان‌آبادی (۱۳۹۲)، به بررسی موضوع «سرمایه‌گذاری از طریق تأسیس نهاد وقف پول» می‌پردازند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، اگر از وقف پول در ایران به‌عنوان ابزار مالی استفاده شود، وجوه وقف شده می‌توانند منبعی برای افزایش سرمایه‌گذاری در قالب انواع عقود اسلامی و قانونی تلقی شوند و صرف سود حاصل از این نوع سرمایه‌گذاری‌ها در برنامه‌های فقرزدایی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فقر در جامعه داشته باشد.

مصباحی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی موضوع «وقف به‌مثابه تأمین مالی خرد اسلامی: ارائه الگوی تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی در ایران» پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق که براساس تحلیل‌های نظری به‌دست آمده‌اند، نشان می‌دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی - اقتصادی را دارد که منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد در نظر گرفته شود.

سالارزهی (۱۳۹۰) با رویکردی توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع «وقف به‌مثابه الگوی کارآفرینی اجتماعی پایدار در اسلام» می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وقف توانسته است

با توزیع ثروت در جامعه و به‌کارگیری دارایی‌ها و اموال خیرین در راستای اهداف انسان دوستانه و توسعه‌ای فرصت‌های دسترسی اقشار آسیب‌پذیر را به زیرساخت‌های اصلی توسعه فراهم سازد. همچنین وی معتقد است که سنت پسندیده وقف مصداق بارز کارآفرینی اجتماعی است. در مطالعات زیادی نظیر گوش روی^۱ (۲۰۱۲)، آلفونسو و فورسری^۲ (۲۰۱۰)، لیزاردو و مولیک^۳ (۲۰۰۹)، پیرایی و نوروزی (۱۳۹۱)، پایتختی اسکویی و جعفری پرویزخانلو (۱۳۹۰)، حیدری، پروین و فاضلی (۱۳۸۹) و کمیجانی و نظری (۱۳۸۸) به بررسی رابطه اندازه دولت با رشد اقتصادی پرداخته‌اند. اکثر نتایج مطالعات تجربی نشان می‌دهد اندازه دولت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد؛ ولی مطالعات تجربی به این موضوع نپرداخته‌اند که چگونه می‌توان با آموزه‌های اسلامی از اندازه دولت در اقتصاد کاست تا زمینه برای مشارکت فعال‌تر بخش خصوصی مهیا شود. از این‌رو با توجه به نقش وقف به‌عنوان منبعی برای سرمایه‌گذاری در کالاهای عمومی و در نتیجه کاهش پرداخت‌های انتقالی و حتی کاهش مخارج دولت، این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر وقف بر اندازه دولت در اقتصاد است.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی - پیمایشی است. در این پژوهش از رویکرد آمیخته برای تجزیه و تحلیل داده استفاده شده است که به دنبال بررسی، شناسایی و تبیین تأثیر وقف بر اندازه دولت در اقتصاد است. با استفاده از مصاحبه اکتشافی، بررسی پیشینه و ادبیات تحقیق، داده‌ها جمع‌آوری، سپس با روش تحلیل تم (روش کیفی) مدل مفهومی تبیین و در ادامه با پرسشنامه محقق ساخته و معادلات ساختاری (روش کمی) مدل آزمون شده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها و پیشینه تحقیق از روش تحلیل تم که در تحقیقات کیفی کاربرد گسترده‌ای دارد استفاده شده و برای تحلیل پرسشنامه و بررسی نقش متغیر میانجی کارآفرینی اجتماعی، معادلات ساختاری

-
1. Ghosh Roy
 2. Alfonso and Furceri
 3. Lizardo and Mollick

و نرم افزار آموس^۱ به کار رفته است. جامعه آماری را خبرگان و کارشناسان حوزه اقتصاد و مدیریت تشکیل می دهند. با توجه به اهمیت موضوع پژوهش در مصاحبه، از نمونه گیری در دسترس و هدفمند استفاده شده است. در این پژوهش تعداد نمونه برای مصاحبه ۱۸ نفر و برای پرسشنامه با توجه به نوع نمونه گیری هدفمند، ۶۲ نفر است.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته در سه بخش عوامل اجتماعی (۱۱ سؤال)، عوامل فرایندی (۱۳ سؤال) و عوامل کارآفرینی اجتماعی (۱۱ سؤال) به روش طیف لیکرت پنج گزینه ای است. هیئت علمی و کارشناسان مربوطه بررسی و پس از تعدیلات مورد نظر آنها روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتیجه محاسبات آلفای کرونباخ ۰/۸۱۲ به دست آمده و مناسب بودن پایایی پرسشنامه را نشان می دهد.

همان طور که بیان شد در این مطالعه از روش تحلیل تم برای تجزیه و تحلیل مصاحبه ها استفاده شده است. تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم های) موجود درون داده هاست. این روش، داده ها را سازمان دهی و در قالب جزئیات توصیف می کند. برون و کلارک^۲ (۲۰۰۶) مراحل ششگانه را برای تحلیل تم ارائه کرده اند (ابویی اردکان و همکاران، ۱۳۹۳): در مرحله اول، آشنایی با داده ها صورت می گیرد؛ در این مرحله با عمق محتوایی داده ها آشنا می شویم. مرحله دوم به ایجاد کدهای اولیه می پردازد؛ کدها ویژگی داده هایی را معرفی می کنند که به نظر محقق جالب است. در این مرحله ۳۳ کد اولیه از مصاحبه ها احصا شد. در مرحله سوم که جستجوی کدهای گزینشی نام دارد؛ هدف دسته بندی کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی و مرتب کردن همه خلاصه داده های کدگذاری است که ۱۸ کد گزینشی به دست آمد. در مرحله چهارم تم های فرعی شکل می گیرد؛ این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه و شکل دهی به تم های فرعی است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم های فرعی در خصوص مجموعه داده ها در نظر گرفته می شود. در این مرحله پنج تم فرعی به دست آمد.

1. Amos

2. Braun and Clarke

مرحله پنجم به تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی می‌پردازد؛ تم‌های اصلی که برای تحلیل ارائه شده، تعریف و مورد بازبینی مجدد قرار می‌گیرد، سپس داده‌های داخل آنها تحلیل می‌شود. با تعریف و بازبینی کردن، ماهیت چیزی که یک تم در مورد آن بحث می‌کند مشخص شده و تعیین می‌شود که هر تم اصلی کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد. در این مرحله از میان تم‌های فرعی سه تم اصلی به دست آمد. در ادامه به صورت نمونه چند مورد از فرایند کدگذاری مصاحبه‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۱. نمونه کدگذاری مصاحبه‌ها به صورت نمونه

متن مصاحبه	ابعاد فرعی	ابعاد اصلی	مصاحبه
افرادی که به سمت ایجاد فضای آموزشی در قالب وقف عمل می‌کنند احساس بهتری نسبت به کار خود دارند.	عوامل آموزشی	عوامل اجتماعی	P2
در صورتی که موضوع وقف خود شناسایی شود می‌تواند کمک بسیار زیادی برای دولت در ابعاد مختلف باشد، یعنی دولت حجمی از فعالیت‌ها را جهت بهره‌برداری بهتر به امور وقف واگذار کند.	خصوصی‌سازی	عوامل فرایندی	P6
وقف کار پسندیده‌ای است و سوق دادن آن به سوی جوانان و فعالیت‌های ورزشی و هنری باید بیشتر ترویج شود.	عوامل فرهنگی	عوامل اجتماعی	P7
وقف باید در هر منطقه متناسب با نیازهای آن به افراد معرفی شود. برخی از مکان‌ها مدرسه می‌خواهد، در برخی از جاها مسجد و ... باید نگاه کلان داشت.	عوامل عمرانی	عوامل فرایندی	P9
با توجه به تبلیغات اندکی که صورت می‌گیرد، نباید انتظار سرازیر شدن وقف به حوزه‌هایی مانند دانشگاه‌ها را داشت. رسانه‌ها باید بیشتر روی این موضوع کار کنند.	عوامل آموزشی	عوامل اجتماعی	P11
نباید وقف را فقط در حوزه ساخت مدرسه و بیمارستان و از این قبیل دید، نگاه عمیق‌تری باید در جامعه فرهنگ‌سازی شود.	عوامل فرهنگی	عوامل اجتماعی	P13
در حال حاضر دولت توان مالی اندکی برای ساخت بیمارستان و مراکز درمانی دارد در صورتی که این سطح نیازها به خوبی معرفی شود، افراد زیادی پای کار می‌آیند.	عوامل بهداشت و درمان	عوامل فرایندی	P14

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در مرحله آخر گزارش تهیه می‌شود؛ مرحله ششم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌های اصلی کاملاً انتزاعی و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای تحقیق در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است.

۳. یافته‌های تحقیق

در این تحقیق یافته‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش توصیفی، محتوای جمعیت‌شناختی داده‌های آماری با شاخص‌های مرکزی بررسی شده است و در بخش استنباطی، ابتدا نتایج حاصل از تحلیل تم ارائه می‌شود سپس نتایج یافته‌های معادلات ساختاری که با نرم‌افزار آموس انجام شده است مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

الف) آمار توصیفی: شاخص‌های مرکزی

با توجه به اهمیت موضوع جمعیت‌شناختی داده‌ها در ادامه وضعیت جامعه آماری از نظر جنسیت، سطح تحصیلات، تجربه کاری و حوزه کاری مورد بررسی قرار می‌گیرد (جدول ۲).

جدول ۲. وضعیت جمعیت‌شناختی جامعه آماری

		زن	مرد	جنسیت
		۲۷/۴	۷۲/۶	درصد فراوانی
دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	دیپلم	سطح تحصیلات
۱۱/۳	۳۷/۱	۴۳/۵	۸/۱	درصد فراوانی
۱۰ سال و بیشتر	۶ تا ۱۰ سال	سه تا شش سال	تا سه سال	تجربه کاری
۱۱/۳	۴۱/۹	۳۷/۱	۹/۷	درصد فراوانی
سایر	تولیدی	مشاوره	آموزشی	حوزه کاری
۶/۵	۱۷/۷	۳۰/۶	۴۳/۵	درصد فراوانی

مأخذ: همان.

وضعیت جمعیت شناختی جامعه آماری حاکی از آن است که بیش از ۷۲ درصد نمونه آماری را مردان و حدود ۲۸ درصد پاسخگویان را زنان تشکیل می دهند. همچنین سطح تحصیلات حدود ۸/۱ درصد پاسخ دهندگان دیپلم، ۴۳/۵ درصد کارشناسی، ۳۷/۱ درصد کارشناسی ارشد و ۱۱/۳ درصد دارای مدرک دکتری هستند. با توجه به اهمیت تجربه شغلی در تحقیق حاضر، نتایج نشان می دهند ۹/۷ درصد جامعه آماری دارای تجربه کاری تا سه سال، ۳۷/۱ درصد سه تا شش سال، ۴۱/۹ درصد ۶ تا ۱۰ سال و ۱۱/۳ درصد دارای تجربه کاری بیش از ۱۰ سال داشته اند. همچنین بررسی های مربوط به حوزه کاری پاسخ دهندگان نشان می دهد، ۴۳/۵ درصد جامعه آماری در حوزه آموزشی، ۳۰/۶ درصد در حوزه مشاوره، ۱۷/۷ درصد در حوزه تولید و ۶/۵ درصد در سایر حوزه ها فعالیت دارند.

ب) آمار استنباطی: نتایج یافته های معادلات ساختاری

در این بخش شدت و قدرت روابط بین شاخص ها، ابعاد و مقوله ها با معادلات ساختاری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۳-۱. نتایج تحلیل تم

پس از بررسی و تحلیل مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل تم و طی کردن مراحل ششگانه، تم های فرعی و اصلی مطابق جدول ۳ به دست آمده است.

جدول ۳. تحلیل تم

تم های اصلی	تم های فرعی
عوامل اجتماعی	عوامل آموزشی
	عوامل فرهنگی
عوامل فرایندی	عوامل عمرانی
	عوامل بهداشت و درمان
برنامه ریزی دولت	

مأخذ: همان.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برای کوچک‌سازی دولت با وقف باید عوامل اجتماعی شامل «آموزشی» و «فرهنگی»، عوامل فرایندی شامل «عمرانی» و «بهداشت و درمان» به‌عنوان شتاب‌دهنده وقف در نظر گرفته شوند و بر نقش کارآفرینی اجتماعی در کوچک‌سازی دولت به‌عنوان یک متغیر میانجی توجه و تأکید کرد.

۲-۳. نیکویی برازش مدل

در این قسمت به آزمون مدل با استفاده از روش کمی معادلات ساختاری و نرم‌افزار آموس پرداخته شده است. با استفاده از نرم‌افزار آموس مدل فوق در سه مرحله اشباع شده و شاخص‌های برازش مقادیر مطلوبی را نشان می‌دهند. مقدار کای اسکوئر ۳/۷۲۳ به دست آمده است که در بازه مورد قبول ۱ تا ۵ قرار دارد؛ بنابراین مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

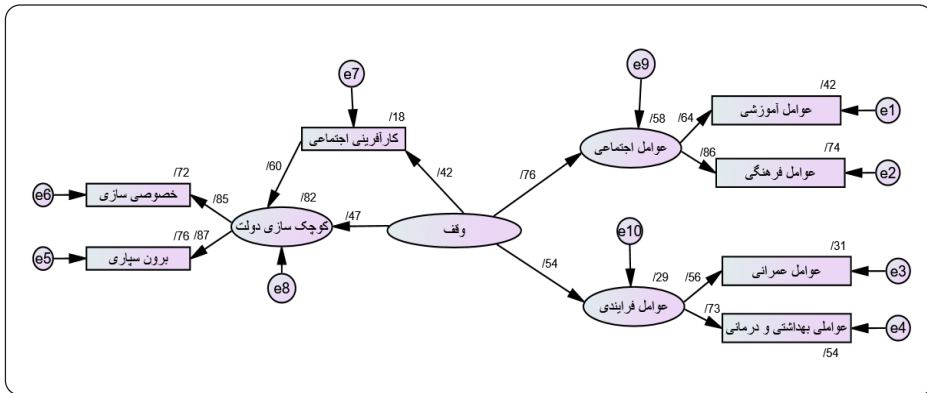
جدول ۴. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

IFI	CFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	شاخص برازندگی
۰-۱	<۰,۹	<۰,۹	<۰,۹	<۰,۹	>۰,۱	مقادیر قابل قبول
۰/۹۵۴	۰/۹۱۲	۰/۹۶۳	۰/۹۵۱	۰/۹۴۳	۰/۰۲۴	مقادیر محاسبه شده

مأخذ: همان.

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد شاخص برازش RMSEA برابر ۰/۰۲۴ بوده که از مقدار ۰/۰۵ کوچک‌تر است؛ لذا مدل از برازندگی خوبی برخوردار است. سایر شاخص‌های نیکویی برازش نیز در بازه مورد قبول قرار گرفته‌اند.

شکل ۲. مدل تحلیلی



مأخذ: یافته تحقیق.

۳-۳. مدل اندازه‌گیری

در مدل اندازه‌گیری وزن رگرسیونی (بار عاملی) قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده نشان داده می‌شود. اگر وزن رگرسیونی (بار عاملی) کمتر از ۰/۲ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود. وزن رگرسیونی (بار عاملی) بین ۰/۲ تا ۰/۶ قابل قبول و اگر بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد خیلی مطلوب است (Klein, 1998). حداقل بار عاملی قابل قبول در برخی منابع و مراجع ۰/۲ نیز ذکر شده است اما معیار اصلی برای قضاوت آماره t است. چنانچه آماره آزمون یعنی آماره t بزرگ‌تر از مقدار بحرانی $t_{0.05}$ یعنی ۱/۹۶ باشد در این صورت وزن رگرسیونی (بار عاملی) مشاهده شده معنادار است (آذر و مومنی، ۱۳۹۲).

۳-۴. وزن رگرسیونی استاندارد داده‌ها

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود ضریب تأثیر و بار عاملی همه متغیرهای تحقیق صفر و کمتر از ۵ صدم است که نشان‌دهنده معنادار بودن نقش متغیرها در مدل است.

جدول ۵. وزن رگرسیونی داده‌ها

سطح معناداری	نسبت بحرانی	خطای استاندارد	برآورد بار عاملی	ابعاد و شاخص‌ها
			۱/۰۰۰	کارآفرینی اجتماعی ---> وقف
			۱/۰۰۰	عوامل اجتماعی ---> وقف
***	۳/۸۳۷	۰/۲۰۵	۰/۷۸۵	عوامل فرایندی ---> وقف
***	۱۱/۲۰۰	۰/۰۴۶	۰/۵۲۰	کوچک‌سازی دولت ---> کارآفرینی اجتماعی
***	۵/۳۵۷	۰/۱۸۰	۰/۹۶۴	کوچک‌سازی دولت ---> وقف
			۱/۰۰۰	آموزش ---> عوامل اجتماعی
***	۷/۷۷۲	۰/۱۷۲	۱/۳۳۸	فرهنگ ---> عوامل اجتماعی
			۱/۰۰۰	عمرانی ---> عوامل فرایندی
***	۴/۲۴۵	۰/۲۷۳	۱/۱۶۰	بهداشتی ---> عوامل فرایندی
			۱/۰۰۰	برون‌سپاری ---> کوچک‌سازی دولت
***	۱۷/۵۱۵	۰/۰۵۳	۰/۹۲۶	خصوصی‌سازی ---> کوچک‌سازی دولت

مأخذ: همان.

۳-۵. مقادیر وزن رگرسیونی استاندارد داده‌ها

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده شد مقدار بحرانی متغیرها کوچک‌تر از ۵ صدم است؛ بنابراین مقادیر وزن رگرسیونی استاندارد را می‌توان پذیرفت. جدول ۶ مقادیر وزن رگرسیونی استاندارد داده‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه وزن رگرسیونی استاندارد داده‌ها در محدوده مجاز قرار دارند (بزرگ‌تر از ۰/۲) مقادیر وزن رگرسیونی استاندارد مورد قبول است.

جدول ۶. مقادیر وزن رگرسیونی استاندارد داده‌ها

برآورد بارعاملی	ابعاد و شاخص‌ها
۰/۴۲۰	کارآفرینی اجتماعی
۰/۷۶۳	عوامل اجتماعی
۰/۵۴۲	عوامل فرایندی
۰/۶۰۴	کوچک‌سازی دولت
۰/۴۷۰	کوچک‌سازی دولت
۰/۶۴۴	آموزش
۰/۸۵۸	فرهنگ
۰/۵۶۰	عمرانی
۰/۷۳۳	بهداشتی
۰/۸۷۴	برون‌سپاری
۰/۸۴۶	خصوصی‌سازی

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد تأثیر غیرمستقیم کارآفرینی اجتماعی بر کوچک‌سازی دولت با ضریب تأثیر ۰/۶۰۴- به‌عنوان یک متغیر میانجی بین وقف و کوچک‌سازی دولت - از تأثیر مستقیم وقف بر کوچک‌سازی دولت با ضریب تأثیر ۰/۴۷۰- بیشتر است. در ادامه به بررسی معناداری تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود.

۳-۶. بررسی معناداری تأثیر مستقیم بین وقف و کوچک‌سازی دولت

برای بررسی معناداری تأثیر مستقیم وقف بر کوچک‌سازی دولت از نتایج جدول ۷ استفاده می‌شود. نتایج این جدول نشان می‌دهد که بین وقف و کوچک‌سازی دولت با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۱ و مقدار آن از ۵ صدم کوچک‌تر است رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

جدول ۷. بررسی معناداری تأثیر مستقیم بین وقف و کوچک سازی دولت

ابعاد	وقف	کارآفرینی اجتماعی	کوچک سازی دولت	عوامل فرایندی	عوامل اجتماعی
کارآفرینی اجتماعی	۰/۰۰۱
کوچک سازی دولت	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲
عوامل فرایندی	۰/۰۰۱
عوامل اجتماعی	۰/۰۰۲
خصوصی سازی	۰/۰۰۱
برون سپاری	۰/۰۰۱
بهداشتی	۰/۰۰۱	...
عمرانی	۰/۰۰۱	...
فرهنگ	۰/۰۰۱
آموزش	۰/۰۰۱

مأخذ: همان.

نتایج تحقیق با یافته های مطالعات ابراهیمی سالاری، سیدحسینی ونریمانی زمان آبادی (۱۳۹۲)، سالارزهی (۱۳۹۰) و آنوئر و همکارانش (۲۰۱۹) سازگاری دارد. در ادامه به بررسی معناداری رابطه غیرمستقیم وقف بر کوچک سازی دولت با نقش کارآفرینی اجتماعی می پردازیم.

جدول ۷-۳. بررسی معناداری تأثیر غیرمستقیم بین وقف و کوچک سازی دولت

بررسی معناداری تأثیر غیرمستقیم بین وقف و کوچک سازی در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. بررسی معناداری تأثیر غیرمستقیم بین وقف و کوچک سازی

ابعاد	وقف	کارآفرینی اجتماعی	کوچک سازی دولت	عوامل فرایندی	عوامل اجتماعی
کارآفرینی اجتماعی
کوچک سازی دولت	۰/۰۰۱
عوامل فرایندی
عوامل اجتماعی

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد مقدار سطح معناداری تأثیر غیرمستقیم وقف بر کوچک‌سازی دولت با مقدار ۰/۰۰۱ از پنج صدم کمتر بوده که به مفهوم معنادار بودن این رابطه است. به عبارت دیگر متغیر میانجی کارآفرینی اجتماعی به صورت یک واسطه روی عملکرد وقف تأثیر گذاشته و در کوچک‌سازی دولت به دلیل همسو بودن هدف اجتماعی کارآفرینی اجتماعی با هدف فرهنگی - مذهبی وقف نقش آفرین است. در واقع نتایج تحقیق نشان می‌دهد در صورت توأمان شدن فرهنگ کارآفرینی اجتماعی با موضوع وقف، نه تنها تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بزرگی بر جامعه ایجاد می‌کند، بلکه می‌توان انتظار داشت آثار عمیقی نیز در نقش دولت در جامعه برجای گذاشته و موجب کوچک‌سازی دولت شود که این موضوع با یافته مطالعه سالارزهی (۱۳۹۰) و سیسوانتورو و راسدیانا (۲۰۱۶) سازگاری دارد.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این مقاله به بررسی تأثیر وقف بر اندازه دولت می‌پردازد و از اهداف آن کشف راهکارهایی برای کاهش اندازه دولت در اقتصاد جوامع اسلامی است؛ زیرا سنت حسنه وقف یکی از زمینه‌های مشارکت عمومی در ایجاد کالاها و خدمات عمومی است. همچنین این نهاد با دیگر نهادهای خیرخواهانه‌ای مانند قرض‌الحسنه، هبه و بنیادهای خیریه تفاوت دارد، زیرا وقف احسان ماندگار و ارزش اخلاقی و ثواب بیشتری دارد. به ویژه به دلیل بلندمدت بودن آثار درآمدی آن، منبع مطمئنی برای تأمین مخارج دولت است. بنابراین وقف به عنوان کارآفرینی اجتماعی از یک سو مشارکت بخش خصوصی را در اقتصاد و به ویژه برای ایجاد کالاها و خدمات عمومی فراهم می‌کند و به تبع آن نقش و اندازه دولت در اقتصاد کاهش می‌یابد و از سوی دیگر از مشکلات کسری بودجه بر اقتصاد می‌کاهد، زیرا بخش زیادی از هزینه‌های دولتی (تأمین کالاها و خدمات عمومی) را کاهش می‌دهد. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برای کوچک‌سازی دولت با وقف، می‌بایست عوامل اجتماعی شامل «آموزشی» و «فرهنگی»، عوامل فرایندی شامل «عمرانی» و «بهداشت و درمان» شتاب‌دهنده وقف در نظر گرفته شوند و بر نقش کارآفرینی اجتماعی در کوچک‌سازی دولت به عنوان یک متغیر میانجی توجه و تأکید کرد.

برای اثرگذاری بیشتر بر اندازه دولت در اقتصاد پیشنهاد می‌شود با توجه به رابطه مستقیم وقف و کوچک‌سازی دولت، باید دولت با حمایت از نهاد وقف، از نظر ضوابط قانونی زمینه رشد آن را فراهم آورد. همچنین با توجه به نقش کارآفرینی اجتماعی در کوچک‌سازی دولت به‌عنوان یک متغیر میانجی و همچنین موقوفات گسترده در جوامع اسلامی و منافع درآمدی محدود آنها، بایستی مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی، این موقوفات به‌کار گرفته شوند و زمینه بهره‌برداری کارآز آنها میسر شود.

منابع و مآخذ

۱. آذر، عادل و منصور مومنی (۱۳۹۲). *آمار و کاربرد آن در مدیریت*، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
۲. ابراهیمی سالاری، تقی، سیدمحمد سیدحسینی و سیدمهدی نیمانی زمان آبادی (۱۳۹۲). «سرمایه‌گذاری از طریق تأسیس نهاد وقف پول»، *آموزه‌های فقه مدنی*، ش ۸.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرّم (ق ۱۴۱۰). *لسان‌العرب*، جلد نهم، بیروت، دارصادر.
۴. ابوبی اردکان، محمد، سمیه لبافی، سمانه آذریپور و مهدیه جلال پور (۱۳۹۳). «شناسایی عوامل حیاتی موفقیت تفکر راهبردی در دیدگاه مدیران سازمان‌های فرهنگی شهر اصفهان»، *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، (۱۱)، ۶.
۵. بختیاری، صادق (۱۳۸۱). «وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی»، *میراث جاویدان*، ۴۰-۳۹.
۶. پایتختی اسکویی، سیدعلی و کرم جعفری پرویزخانلو (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی کشورهای حوزه‌های دریای خزر»، *مجله مطالعات اقتصادی*، (۳)، ۲.
۷. پیرایی، خسرو و هایده نوروزی (۱۳۹۱). «آزمون رابطه به شکل منحنی آرمی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: روش رگرسیون آستانه»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، (۲)، ۱۲.
۸. توکلی، احمد (۱۳۸۶). *مالیه عمومی*، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
۹. جهانیان، ناصر (۱۳۹۵). «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، سال شانزدهم، ش ۶۲.
۱۰. حیدری، حسن، سهیلا پروین و محمد فاضلی (۱۳۸۹). «رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس»، *فصلنامه اقتصاد مقدری*، سال هفتم، ش ۳.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، جلد ۱۵، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. رضایی، اسعداله، جواد حسین‌زاده، ایوب فرامرزی و منصور یزدان‌خواه (۱۳۹۲). «تأثیر اندازه دولت بر توزیع درآمد در ایران»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال اول، ش ۴.
۱۳. سالارزهی، حبیب‌اله (۱۳۹۰). «وقف به مثابه الگوی کارآفرینی اجتماعی پایدار در اسلام»، *مجله ندای اسلام*، سال دوازدهم، ش ۴۵.
۱۴. صدری، سیدمحمد و حکیمه‌السادات هندی‌زاده (۱۳۹۳). «وقف ارزش‌های مالی اعتباری»، *پژوهش‌های فقهی*، سال دهم، ش ۳.
۱۵. کمیجانی، اکبر و هادی حق‌شناس (۱۳۹۳). «بررسی آثار اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران»، *فصلنامه علوم اقتصادی*، سال هشتم، ش ۲۸.

۱۶. کمیجانی، اکبر و روح‌اله نظری (۱۳۸۸). «تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۳.
۱۷. مصباحی‌مقدم، غلامرضا، حسین میسمی، محسن عبدالهی و مهدی قائمی اصل (۱۳۹۰). «وقف به‌مثابه تأمین مالی خرد اسلامی: ارائه الگوی تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، ش ۵.
۱۸. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶). فرهنگ اصطلاحات فقهی و حقوقی معاملات، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۱۹. میری، علی (۱۳۸۵). «کارآفرینی اجتماعی: مروری بر زمینه‌های سیاسی و اجتماعی»، فصلنامه دانش مدیریت، سال نوزدهم، ش ۷۲.
20. Alfonso, A. and D. Furceri (2010). "Government Size, Composition, Volatility and Economic Growth", *European Journal of Political Economy*, 26 (4).
21. Akram, V. and B. N. Rath (2019). "Optimum Government Size and Economic Growth in Case of Indian States: Evidence from Panel Threshold Model", *Economic Modelling*. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S026499931930642X?via%3Dihub>
22. Anuar, A. S., Z. Bahari, C. M. Doktoralina, F. Indriawati and L. Nugroho (2019). "The Diversity of Waqf Implementations for Economic Development in Higher Education", *Jurnal Ekonomi dan Bisnis Islam*, 4 (1).
23. Austin, J., H. Stevenson and J. Wei-Skillern (2006). *Social and Commercial Entrepreneurship: Same, Different, or Both? Entrepreneurship Theory and Practice*, Blackwell Publishing Limited.
24. Bakhtiari, S. (2002). "Waqf and its Role in Socioeconomic Development", *The Journal of Waqf*, 40.
25. Braun, V. and V. Clarke (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2)
26. Budiman, M. A. (2014). *The Significance of Waqf for Economic Development*, MPRA Paper 81144, University Library of Munich, Germany.

27. Cizakca, M. (2004). *Incorporated Cash Waqfs and Mudaraba, Islamic Non-bank Financial Instruments from the Past to the Future*, Paper Submitted During the International Seminar on Non-Bank Financial Institutions, Kuala Lumpur.
28. Doessel, D. P. and A. Valadkhani (2003). "The Effects of Government on Economic Growth in Fiji", *Singapore Economic Review*, 48 (1).
29. Gliedt, T. and P. Parker (2007). "Green Community Entrepreneurship: Creative Destruction in the Social Economy", *International Journal of Social Economics*, 34 (8).
30. Ghosh Roy, A. (2012). "Revisiting the Relationship between Economic Growth and Government Size", *Economics Research International*, <https://doi.org/10.1155/2012/383812>.
31. Klein, A. (1998). "Firm Performance and Board Committee Structure", *The Journal of Law and Economics*, 41(1).
32. Lahasna, A. (2010). *The Role of Cash Waqf in Financing Micro and Medium Size Enterprises (MMES)*, 7th International Conference - The Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy, Bangi.
33. Lizardo, R. and A. V. Mollick (2009). "Can Latin America Prosper by Reducing the Size of Government?", *Journal Cato*, 29 (2).
34. Maghbul, M. A. and A. S. Alhajam (2018). "Proposal Framework of Waqf Institutions' Governance and Its Economic and Social Implications", *International Journal of Islamic Economics and Finance Studies*, 4 (2).
35. Mahat, M. A., M. Y. Jaaffar and M. S. A. Rasool (2015). "Potential of Micro-waqf as an Inclusive Strategy for Development of a Nation", *Procedia Economics and Finance*, 31.
36. Nirola, N. and S. Sahu (2019). "The Interactive Impact of Government Size and Quality of Institutions on Economic Growth- evidence from the States of India", *Heliyon*, 5 (3).
37. Siswanto, D. and H. Rosdiana (2016). "Sustainability of Cash Waqf Development in Indonesia: A Quintuple Helix Perspective", *Sains Humanika*, 8 (1–2).